فخرالدین شادمان، زندگی و آثار او

م - خ - م

دکتر سید فخر الدین شادمان در سال 1286 شمسی در تهران متولد شد و پس از شصت سال زندگی که بیشتر آن به تحقیق و مطالعه و تدریس گذشت.شب شنبه چهارم شهریورماه‏ 1346،برابر با 19 جمادی الاول 1387 و مطابق با 26 اوت 1967 به بیماری سرطان لوز المعده‏ در لندن وفات یافت.پدر ایشان حاج سید ابو تراب نام داشت و از طبقه‏ای روحانی بود. بهمین جهت تحصیلات اولیه او از علوم قدیمه آغاز میگردد.

دورهء مقدمات زبان و ادبیات عرب وفقه و اصول را در مدارس میرزا صالح و خان مروی‏ در طهران انجام داد.و همین رشته را نزد آقا سید محمود حیاط شاهی و آقا شیخ محمد تقی‏ نهاوندی ادامه داد،سپس بتکمیل علوم جدید پرداخت.تحصیلات اولیه خود را در مدارس‏ کمال و تدین و دار الفنون آغاز کرد،سپس دورهء دار المعلمین عالی مرکزی(دانشسرای عالی) را در سال 1304،و دوره مدرسه عالی حقوق تهران را در 1306 بپایان رسانید،باین‏ وسیله تحصیلات علوم قدیم و جدید را با یکدیگر جمع کرد و همین امر موجب گردید که در مدت زندگی خود دارای تعصب قشری نبود و تمدن جدید را بدون مطالعه و دقت قابل قبول‏ نمیدانست.

در سال 1304 شمسی از دانشکدهء حقوق دانشگاه پاریس و در سال 1318 از دانشکدهء علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه لندن باخذ درجه دکتری نائل گردید.دو سال در کمبریج‏ انگلستان اقامت کرد و در دانشگاه کمبریج بمطالعه پرداخت.یکسال هم دوره دانشگاه‏ هاروارد آمریکا را گذرانید.

\*\*\* مشاغل دکتر سید فخر الدین شادمان را میتوان به دو گروه تقسیم کرد:اداری و علمی.کارهای اداری و اجتماعی ایشان عبارتست از:مدیر دفتر محاکم بدایت تهران 1306 شمسی-عضو محکمه تجارت 1307-معاون پارکه دیوان جزای عمال دولت 1308- مستنطق تهران-معاون نمایندگی دولت ایران در شرکت سابق نفت ایران و انگلیس 1311 کفیل نمایندگی دولت ایران در شرکت سابق نفت ایران و انگلیس 1318 نماینده دولت ایران در کنفرانس تربیتی آکسفورد 1314-رئیس شرکت سهامی بیمه ایران‏ 1326-وزیر اقتصاد،دوبار 1327 و 1332-وزیر کشاورزی 1327-بازرس دولت در بانک کشاورزی و هنر-رئیس شورای عالی سازمان برنامه 1332-رئیس شورای هدایت‏ ملی 1333-رئیس کمکهای فنی سازمان ملل متحد-رئیس ایرانی صندوق مشترک ایران‏ و آمریکا 1333-وزیر دادگستری 1333-نایب تولیت عظمی آستان قدس رضوی 1334- استاندار خراسان-سرپرست اداره کل انتشارات و تبلیغات-رئیس هیئت نمایندگی ایران‏ در کنفرانس علوم اداری در استانبول 1332-عضو فرهنگستان ایران-عضو شورای عالی‏ فرهنگ-عضو شورای فرهنگی سلطنتی-عضو هیئت امناء کتابخانه سلطنتی پهلوی-عضو شورای عالی‏ فلسفه و علوم انسانی-نایب رئیس مرکز بین المللی تحقیق در فرهنگ و تمدن ایران.

\*\*\* مشاغل علمی ایشان عبارتست از:تدریس(فارسی-فرانسه-تاریخ)در مدارس‏ ثروت،علمیه و ادب و مظفری و کمالیه-تدریس فرانسه و انگلیسی در سال 1305 در دار المعلمین‏ عالی مرکزی-تدریس در دانشکده تحقیقات و السنه شرقی دانشگاه لندن(1322-1313). از سال 1329 شمسی ببعد در دانشگاه تهران بتدریس تاریخ اسلام اشتغال داشته و از استادان‏ ممتاز بشمار میرفت،بعلاوه ریاست گروه آموزشی رشته تمدن و فرهنگ اسلامی دانشکده‏ الهیات و معارف اسلامی را نیز بعهده داشت.

\*\*\* دکتر شادمان نویسنده‏ای توانا و مطلع بود و با مطبوعات مرکز کشور همکاری‏ قلمی داشت مقالاتی از ایشان در روزنامه اطلاعات انتشار یافت.«کتاب بی‏نام»در سال دوم‏ انتشار روزنامه اطلاعات در سال 1306 بصورت پاورقی انشار یافت(چاپ دوم 1335)سپس‏ آثار دیگری از فکر و قلم توانای ایشان طبع و نشر گردید که مهم‏ترین آن«در راه هند» (چاپ دوم 1335)و«تسخیر تمدن فرنگی»و«تاریکی و روشنائی»و«تاریخ قرون جدید» و«روابط ایران و انگلیس تا سال 1815»و کتاب«حکایتی و اشارتی»چاپ طهران 1342 میباشد.

کتاب تاریخ قرون جدید،تألیف آلبرماله را بزبان فارسی ترجمه کرد.داستان‏ عشق و محبت،گالاته را در سال 1306 بفارسی درآورد.ترجمه قسمتی از رمان آناکانین‏ تولستوی را از فرانسه بفارسی در روزنامه طوفان انتشار داد.مدتی سردبیری طوفان هفتگی‏ ادبی را در سالهای 1306 و 1307 بعهده داشت.بمناسبت هزارمین سال ولادت فردوسی‏ طوسی در سال 1313 خطابه‏ای در مجلس جشن منعقد در سفارت ایران در لندن و پاریس ایراد کرد.سخنرانی دیگری تحت عنوان«از سه قوم،تربیت فرانسوی و انگلیسی و آلمانی‏ کدامیک برای ایران مفیدتر است؟»در سال 1312 زینت‏بخش طالار کولژ دو فرانس پاریس‏ گردید.خطابه مهم دیگر او بزبان انگلیسی در انجمن شعر در لندن در سال 1315 است در باب شعر فارسی.

بعلاوه مقالات ارزنده در مجلات و روزنامه‏های کشور از ایشان بیاد گارمانده است‏ که هرکدام دارای اهمیتی مخصوص است که بیان آنها در این مختصر نمی‏گنجد و علاقمندان‏ میتوانند به نشریات زیر مراجعه نمایند:روزنامه اطلاعات 1305،روزنامه اقدام 1306، طوفان هفتگی شماره 1 و 14 و 16،مجله صبا شماره 18،مجله سخن،مجله مهر شماره‏ 10 سال 1331،مجلهء یغما و سایر نشریات مهم کشور.

برخی از مقالات که در نشریات فوق مذکور است باین شرح است:«از فرشته بهتر» بامضاء آموزگار،«عظمت ایران»،«دستور زبان فارسی»،«نعمت جهل»،«دانشگاههای‏ قم و دانشگاههای دیگر ایران»،«صورت و معنی»،«جویندگی در طلب کیمیای سعادت آفرین»، «تراژدی فرنگ».

\*\*\* از نظر معتقدات مذهبی دکتر سید فخر الدین شادمان،شخصی محقق و میانه‏رو و از عصبیت بدور بود و همواره از اتحاد و اتفاق میان مسلمین طرفداری میکرد.در دانشکده‏ الهیات،در اطاق استادان گاهی مناظره‏ای اتفاق میافتاد میان مرحوم دکتر نجات که در اصول معتقدات شیعه تعصبی بسزا داشت و آقای عبد الرحمن مهتدی که از اهل سنت بود.گاهی‏ کار از حدود عادی تجاوز میکرد و مداخله سایرین را ایجاب مینمود،در اینموقع دکتر شادمان‏ دخالت میکرد و طرفین را بحفظ اتحاد دعوت مینمود و میگفت اصل اسلام در خطر است مصلحت‏ نیست که درباره مسائل دست دوم خلافت یا امامت بحثی کینه‏انگیز درگیرد.

\*\*\* دکتر شادمان نسبت به نهادهای اجتماعی و مراسم قومی سخت ایمان داشت و شرط اصلی ایرانی بودن را دانستن زبان فارسی میدانست و با آنچه که از سایرین بعاریت گرفته شده باشد مخالفت داشت،میگفت تفاوت ما ایرانیان با مردمی که قبل از ورود ما بایران،در این‏ سرزمین زندگی میگردند اینست که ما دارای آثار قومی و مجموعه‏ای از معتقدات هستیم که‏ نماینده افکار ملی ما است و ما را از سایر اقوام جدا میسازد،این آداب را باید از طریق‏ تحقیق ادبیات فارسی و اعتقاد بتمدن و فرهنگ ایارن بدست آوریم بانیجهت باید توجه بزبان‏ فارسی را شرط اساسی تمدن و قومیت بشماریم در غیر اینصورت اگر زبان فارسی را فراموش کنیم ملیت خود را از دست داده‏ایم،در نتیجه مانند مردمانی میشویم که قبل از ورود قوم آریا بایران در این سرزمین زندگی میکردند و اکنون نام و نشانی از آنان در میان نیست.

\*\*\* دکتر شادمان همواره در مباحث خویش تمدن جدید را تشبیه به آب میکرد که از دو طریق نمایان است استفاده از یکی موجب عظمت و بزرگی ایران و غفلت از دیگری‏ باعث از دست دادن افتخارات تاریخی و اجتماعی ایران است:

اگر در مقابل آب تمدن سدی ایجاد کنیم و مطابق دلخواه هرچه میخواهیم از آن‏ بهره‏مند گردیم در اینصورت میتوانیم از تمدن جدید نیکو استفاده کنیم و از مزایای آن برخوردار شویم.ولی اگر آب تمدن بشکل سیل بر کشور ما حمله‏ور گردد و سدی در مقابل آن ساخته‏ نشود و دقت و مطالعه کافی در آن بکار نرود ناگزیر در سیلاب وحشتناک تمدن غرق میگردیم‏ علاوه براینکه ثمری نمی‏بینیم خطر نابودی هم در میان است،در تسخیر تمدن فرهنگی»مینویسد:

«بعقیده من روزی که تمدن فرنگی ما را بگیرد،آخرین روز حیات ملت ایرانست‏ و تنها راه گریز و یگانه چاره آنست که ما آنرا بگیریم و پیش از آنکه محصور و اسیرش گردیم‏ خود مسخرش کنیم».